

### عزیزالدین و کیلی فوفلزایی

## صنعت توپ‌سازی در دوره احمدشاهی \*

در شماره ششم دوره بیستم مجله آریانا بعنوان فوق‌روبرو شدم و به آرزوئی که در ذیل آن شاید مآخذ جدیدی آمده باشد، بدقت، مطالعه نمودم. با آنکه از منشی باشی و جنگ قلمی او قبلاً در سه جلد کتاب چاپ شده من و در مجلات آریانا و عرفان در طی مقالات خودم سخن‌ها بمیان آمده، و با آنکه پنج سال قبل کتابی بنام (جهانکشی نادری) نوشته ام و باز کتاب دیگری بنام دیوان اعلی (در تاریخ دفاتر افغانستان) نگاشته ام و در آن از احوال وزراء، مستوفیان، منشیان و ارباب قلم کشور عزیز خود یاد آوری کرده‌ام منتظر چاپ اینها هستم، هر ابر آن داشت که اکنون نیز مقداری مطالب از آثار منگور، را جمع به صنعت توپ‌سازی و حیثیت منشی باشی احمد شاه و تیمورشاه و ذکر اسامی بعضی از توپ‌سازان آن عصر، را از نظر خواهندگان این موضوع بگذرانم.

اعلیحضرت احمدشاه بابا، چون فطرتاً عسکر بود و روحیه جهانگیری داشت از بدو جلوس (۱۱۶۰ ق.) به تشکیل توپخانه اقدام ورزید و دو تن از صاحبمنصبان

\* از نویسنده محترم و کیلی فوفلزایی، منشکریم که این قدر بمجله ما علاقه میگیرند و آنرا به نظر دقیق مطالعه میفرمایند. مضمون ایشان مقداری مطالب خارج از موضوع را نیز احتوا میکند ولی چون مشغول به نکات جالب تاریخی و ادبی است و ممکن است خوانندگان مجله آریانا را سودمند افتد آنها را حذف نکردیم «اداره»

توپخانه آن وقت، جیت عبدالرحمن خان بار کزایی و محمد عثمان خان بار کزایی (۱) توپچی باشی را بیشتر نام برده اند. همین محمد عثمان خان با محبت خان فوفلزایی بود که در اثر سوؤ قصدی علیه احمد شاه بابا، در اوایل سلطنت، محکوم به اعدام شدند اما عثمان خان معجزه آسا از مرگ نجات یافت و مؤلف سراج التواریخ به نقل از مورخان قدیم ازین موضوع متذکر شده است. کسان دیگری که مراتب داروغگی و سرجماعگی قطعاً توپخانه را داشتند، حنان خان و میر قلیچ خان و محمد صالح خان اند و اخیر الذکر داروغه توپخانه قشون مقیم بالاحصار کابل بود و حین سفر هند و پنجاب با شیخ نو العین واقف (بیگنای) آشنایی بهم رسانید و شیخ واقف در اثنای ورود خود بکابل از توقف و جستجو میگرد و میگفت مانند من مرد لاغر اندام و درویش خوب بود و شغل داروغگی توپخانه داشت. غرض اینکه توپ و توپ سازی از آغاز سلطنت در افغانستان رواج گرفته و اولین توپ زمان احمد شاه بابا عندلیب نام داشته است.

### عندلیب

اولین توپ مشهوری که در تاریخ دوره درانی مباحثات زیاد همراه دارد، عندلیب نام داشته و در سلطنت احمد شاه بابا ساخته شده و نام عجیب آن تا امروز در جوف اسناد تاریخی محفوظ میباشد. این توپ در اثنای یورش دوم احمد شاه بابا پیش از فتح لاهور

(۱) فیض طلب خان میر آتش و بمقوب علی خان داروغه توپخانه از خانواده عثمان خان توپچی باشی اند. فیض طلب خان به همراهی وزیر فتح خان در جنگ کشمیر عزیمت کرد و آنجا به شهادت رسید و عایشه درانی رباعی رقت باری در رثایش گفته. اهل حضرت احمد شاه بابا اراضی را که حال مهتاب باغ و مهتاب قلعه در آن بنا یافته، بطور جاگیر به عثمان خان بخشید و در دوره امارت امیر دوست محمد خان، چون در تصرف حکومت درآمد، بود، به سردار ولی محمد خان بخشید، شد و بنام قلعه ولی محمد خان چندی شهرت یافت. در اواخر مهتاب باغ و مهتاب قلعه در آن حوزة بنا یافت و بقول بعضی از موسپیدان انچی باغبان، قبر عایشه درانی نیز در نزدیکیهای قریه انچی متصل سمت غربی مهتاب قلعه واقع است. دیوان شاعرة موصوفه، بلاوة حلاوت ادبی، در تاریخ توپ سازی و توپخانه افغانستان و ذکر چند تن از افسران قطعات توپچی، مأخذ خوبی است.

وسرهند، در سال ۱۱۶۱ ق که مطابق توشقان ٹیل، ترکی، توسط محمد قاسم بریلوی، سرهنگ توپخانه عهد نواب ناصر خان، که از اسرای جنگ بود، در پشاور ریخته شد و از زبان شهنشاه بزرگ افغان به (عندلیب) موسوم گردید. باید دانست که عندلیب چهار سال پیشتر از توپ زمزمه بوجود آمده و در جنگ لاهور علیه شاهنواز خان و در جنگ سرهند علیه نواب قهرالدین خان اعتماد الدوله (وزیر الممالک) ازان کار گرفته اند و در سال ۱۱۶۳ ق. مطابق یونت ٹیل ترکی از دیار لاهور واپس به بالاحصار پشاور آورده شد و زمانی هم در جنگ شالیمار ازان استفاده کرده اند. پس از دفع غمائله شالیمار عراده و قنداق عندلیب، از طرف شورشیان طعمه حریق گشت و بی پروبال گردید؛ اما در سال ۱۱۶۶ ق. پیچی ٹیل ترکی، پس از فتح کشمیر از زیر خاک توده های قلاع مخروبه بیرون آورده بر سر عراده گشت و از شالیمار به قلعه اتک فرستاده شد. عندلیب را در سال ۱۱۹۰ ق مطابق پیچی ٹیل ترکی، در عهد سلطنت تیمورشاه از قلعه اتک به پشاور نقل دادند و از آنجا بعد از سرزنتی سکهان ملتان، در جمله احمال و ائقال به شجاع آباد رسید و سپس همراه عساکر اعزای می سمت بهاولپور، به اختیار سردار دلاور خان اسحق زابی ملقب به مدد خان گذاشته شد.

میرزا هادیخان موسوی منشی که در سال ۱۱۶۸ ق سمت استیفاء دیوان پشاور

داشت (۱) چنین می نویسد:

« تاریخ ساختن میل و قنداق توپ عدو کوب هفت جوش آسمان خروش که در،  
 « هنگام ظفر احشام نهضت ثانی جناب جهانبانی سایه رحمت یزدانی اعنی احمدشاه،  
 « پادشاه در درانی بسوی الکای پشاور به یمن صفای خاطر دریا مقاطر شاه شاهان،  
 « خلیفه الرحمان در شهر سنه توشقان ٹیل ترکی سنه ثانی جلوس خاقان رفیع،  
 « مکان بحسب مرام امیر ذی العزوالاکرام عالیجاه خدیو بارگاه عبدالله خان،  
 « ایشیک اوغاسی باشی دیوان اعلی بذریعه افسر الحدادین خواجه محمد قاسم،

(۱) تذکر بیشتر راجع به شخصیت و آثار او در پایان این مقاله معترضاً پرداخته میشود.

« داروغه خدام اتواب سرکار شاهی با احسن سلايق ریخته و از زبان درافشان »  
 « اعلی حضرت فلك رفعت سایه یز دان عندلیب نام نهاده شده باین نشیده مبارکه »  
 « تشیید و توثیق می یابد : »

زبدۀ آفاق احمد پادشاه کام بخش جمع پیرو هم جوان

در سخاوت رهنمای حاتم است در عدالت رشك صدنوشیروان

پیشوای مردم شب زنده دار مقتدای خطه دین پروان

طینت اوصاف از صبح افق قهرا و از شام قیر در جهان

توپ خصم افکن بنام عندلیب در پشاور خواست بار کشوران

از جناب شاه اردو میر عدل (۱) عضد الدوله اشرف دانشوران

سعد اکبر طالعش آمد مگر مشتری نظاره سازد ز آسمان

خان دوران عبدالله ملك گبر پیشوای طالع سعد اختران

کوبسازد ازدهای صفا شکن بر مرادش خواجه آهنگران

آتش افروز بساط درم گناه زینت آرای صفوف لشکران

عندلیب قلعه گیر آراد بکام زانی و مطالعات کز نوایش خون ز کام هژدردان

خود بریز اند بحکم دین پیمان علوم انسانی خسرو شاهنشه پاک گوهران

خواجه قاسم بر سر عراده کرد دریاك و چل روز این کارگران

میرهادی سال تا ریخش نمود جستجو از لطف های بیکران

همچو آتش دود برون کرد و گفت عندلیب لشکر در دران

(۱) عضد الدوله لقب اول سردار عبدالله خان است و در وقتی که رتبه عضد دربار و باشک آقاسی باشی دیوان اعلی راداشت باین لقب یاد شده و در ۱۱۶۶ ق پس از فتح کشمیر لقب دیوان بیکی معالک محروسه و وکیل الدوله یافت و نیز بلفظ سرکار دیوان یاد شده است.

## توپ‌فتح‌نیشاپور

از جمله توپ‌های مشهور عهد سلطنت احمدشاهی که نسبت به توپ زمزمه سبقت دارد توپ فتح‌نیشاپور است و شهزاده علی‌قلی میرزای اعتضاد السلطنه مؤلف تاریخ افغانستان که اثر او در دارالطباعة میر محمد باقر تهرانی بخط میرزا محمد حسن منشی در اوایل مطبوعات آن کشور در هما نجا بطبع رسیده در قسمت توپ احمدشاهی می‌نویسد:

«احمدشاه بعزم تسخیر خراسان خصوصاً شهر نیشاپور رایت عزیمت برافراشت»  
 «و در آن سفر بهر یک از سواران لشکر یک من چو دن تحویل کرده به ترک اسپ برده»  
 «در نیشاپور تسلیم نمایند. پس از ورود در جلگای نیشاپور بتوسط استادان کاردان»  
 «هندستانی (۱) تویی ریخت که به وزن یک من هزار مثقال چهل من گلوله می‌خورد»  
 «پس از اتمام آن توپ قلعه کوب را بر حصار نیشاپور بسته در دفعه اول آن گوله توپ»  
 «چون تیری که از خمیر بگذرد دیوار حصار را شکافتند بلکه هر جا که رسید»  
 «ویران ساخته از سمت دیگر گذشته ربع فرسنگ رفته پخاک نشست. نیشاپوریان»  
 «از هیبت آن صدمت و وحشت آن ضربت قرین فریاد و فغان آمدند و از احمدشاه»  
 «در آنی امان خواستند عباس‌قلی خان (۲) آخر چاره در اطاعت منحصر دانسته»  
 «دری التجا بدرگاه احمدشاه آورد. اظهار خجالت و سرافکندگی کرده مقید»  
 «آمد احمدشاه را از طرز مردی و ثبات طایفه بیات خوش آمده حکومت نیشاپور را»  
 «بدستور سابق به عباس‌قلی خان مفوض و خود بجانب ارض اقدس روی آورد»

(۱) مؤرخ ایرانی در ساختمان این توپ که یادگار اوایل سلطنت احمدشاه با استنادان هندوستانی اشارت میکند و معلوم است بعد از توپ عدلیه کارگران هندوی پیوسته در همین خدمت اشتغال داشته‌اند.

(۲) عباس‌قلی خان شخصی است که خدیجه سلطان دختر او به‌علاقه نکاح اهل حضرت نیمور شاه در آمد و منشی‌باشی میر عبدالهادیخان موسوی نکاحنامه او را به سه زبان عربی - ترکی و فارسی انشاء کرده و در جنگ قلی و واد فتح‌نامه نیشاپور در دو نسخه موجود است.

## هفتصد عراده توپ احمدشاهی

میرزا ابو الحسن بن محمد امین گلستانه ایرانی مؤلف مجمل التواریح زندیه که خود هم عصر احمدشاه بابا و وقتی وزیر کرمان شاهان بوده است می نویسد: احمدشاه ابدالی باسلک سپاه و هفتصد عراده توپ بالای ولایات خراسان (مشهد- نیشاپور- طبس) یورش آورد. میرزا محمد حسن صنیع الدوله وزیر انطباعات کشور ایران نیز ضمن وقایع دیار مشهد، باین مطالب اشاره کرده تعداد لشکر و توپ هارا مبالغه پنداشته در حال خالی از مبالغه نخواهد بود اما حد اوسط و ثلث اعداد توپ را اگر نزد یک بیقین بشماریم باز هم شکل توپخانه منظمی را نشان میدهد.

## توپخانه تیمورشاهی

شهبزاده تیمور در عهد سلطانی هند، پنجاب، جمو- کشه و وقتنی که با مریدرش صلاحیت مروج نمودن سکه و لقب سلطانی چهار دانگ مذکور در سال ۱۱۷۰ ق حاصل کرده ساختمان کشتیها (۱) و توپهای ثقیل در سریع آتش اقدام ورزید چنانچه

(۱) در سال ۱۱۷۰ ق در لاهور بامر شهبزاده تیمور دوصد کشتی نیز ساخته شد و میرزا الله وردی شاملو- ورشته دارپتیاله که معاصر و هم قلم میرزا عبدالهادی موسوی منشی باشرو وارد دربار و شاهد امور مالی و ملکی و وقایع آنروز بود ضمن قطعه ای چنین بیان میدارد:

بوقت شاهی و خاندان جمعی از مطالعات که اخذ شد ندارد هیچ همسر

فروغ بخت او چون ما و خورشید

بدستور بکه فرمودست تیمور

مطالع خلق شد از راه دانش

نه تنها زبر حکم اوست پنجاب

وجوه پر گنات دهر آورد

بدو فرمود کز بار خلاق

تو در اکاف هندو سند بنما

بغیر نام درانی بهر جا

به بیاه و به راوی و به جیلم

بکار آید به حمل مال و انتقال

چو در انجام کار شصت کشتی

همان اربخه است از طبع حیرت

(بساط بحرو بر آرای حکمت)

۱۱۷۰ ق

که اخذ شد ندارد هیچ همسر

زبس بگرفته است آفاق در بر

که او شهزاده و الاست گوهر

مطیع از صدق بر الله اکبر

رقم فرماست هندو سند و کشر

بند است کاردان نیک اختر

بامر خط شاه عدل گستر

چو کشتی هلال در بحر اخضر

دوصد کشتی مستحکم بیاور

به بحر- ندو در اسفار لشکر

بخوبی بگذرد هابرز معبر

چه زیبا آمده تار یخ بنگر

بدومصر اعذیل از هر چه بهتر

هزار و یکصد و هفتاد بشمر

نگارنده سال گذشته ضمن مقالت [واقف و شاهان: درانی] که در دره شماره مسلسل مجله عرفان انتشار یافت همین قطعه عیناً نظمی را که تازه در شماره (۶) مجله آریانا انتشار یافته در صفحه (۷۹) شماره (۴) مجله عرفان بنام حسن خان نشر نموده و مآخذ آن همین جنگ قلمی است.

### توپچی باغ کابل

در سال ۱۱۸۶ ق اعلیحضرت تیمور شاه درانی از قندهار بکابل نزول اجلال کردند و بجهة بود و باش پیلان و اسپان، ده یعقوب چهاردهی و برای حفاظت توپها باغ صفارا [نزدیک جاده میوند] را تعیین فرمود و باغ صفابنام توپچی باغ تا امروز مشهور است و سردار رحمت الله وزیر اعظم دریکی از مکتوبات خویش که بنام جد من از راه جلال آباد بکابل فرستاده و نزد من محفوظ است از میدانی توپخانه که محل وسیع و جای اجتماع اهالی کابل دریکی وقت حساس بود تذکر میدهد و هم در عهد زمان شاه این قسمت شهر [توپچی باغ] محل مساعدی بوده چنانکه از مکتوبات کاپیتان ملکم برمی آید محمد حسن خان قرا کو زلو حین ورود بکابل از توپخانه زمان شاه اطلاعی نیافته بود و هم در وقت ورود لشکر اعلیحضرت شاه شجاع الملك دفعه اول از طریق ولایت پکنیا بکابل [۱۲۱۸ ق] باغ میدان خان برای توپخانه تخلیه شد و خود در روزنامه خود [واقعات شاه شجاع] می نویسد در عهد سلاطین درانی بعلاوه توپخانه پبلی و قاطری توپخانه گاوی نیز وجود داشته و سند قول، فرمانی است که در سال ۱۲۱۷... از حضور اعلیحضرت محمود شاه درانی بجهة معافی مالیات و بیگار و گا و توپخانه به عنوان سیادت پناه میر محمد ابراهیم مشرف راجع باراضی قلعه نیاز بیگ چهاردهی، جایگیر خاندان منشی باشی ها: یخان صدور یافته بود و نزد میر غلام حیدر خان به لاله اش بملا حظه ام رسید.

توپ ز بر زنگ

عمل محبوب حسن

ازین توپ در کتاب درة الزمان در یک فصل جدا گانه بحث کرده ام و آنقدری که صاحب (نگارستان سلطانی و در کامرانی) ضمن سوافتح نامه تذکر داده اند

اهمال نوردیدم ولی طوری که باید فهمیده نشد که محبوب حسن توپ ساز عهد زمان شاه عمان حسن خان وقت حکومت شهزاده تیمور در لاهور است و یا اشخاص جدا گانه اند اما شکی نیست که عده توپ سازان در ریخته گران زیاد بود. اندر غالباً از مردم هند درین خدمت استخدام میشده اند چنانچه از ساختمان توپ عندلیب و توپ نیشاپور و توپ زمزمه و توپ هرات معلوم گشت که کارمندان مشهور هند جزء امپراتوری درانی درین خدمت اشتراک داشتند و از مطالعات حیات امیر دوست محمد خان و اولاد او برمی آید که توپ قندوزی و توپ بزرننگ غالباً در دربار کابل وجود داشته اند و از نامی ترین توپ های ادوار گذشته کابل بوده و غیر از ارزش حربی ارزش تجملی و تاریخی نیز داشته اند زیرا افراد قشون بدستیا ب نمودن آن تفاخر میکردند و شاید در حال کشاکش در مر بو طات کابل در هر نقطه عند الضرورت آنرا برده باشند و از بهترین هدایای شاهوارزی که امرای بیکدیگر تعارف میکردند اسپ با زین و یراق طلا و شمشیر مرصع و بیشتر از آن پیل و توپ بود کزان جمله دوسه بار هر دو توپ قندوزی و بزرننگ گاهی بزیر دستی و گاهی بهدایا از دستی بدست دیگر رفتند ولی اینگونه توپ ها پیش از عملیات جنگی ارزش تجملی داشته چنانکه از توپ زمزمه احمدشاهی در وقایع لاهور و ملتان سید ظهیر الحسن موسوی و منشی کنهبالال و سرپیل اچ گریفن در آثار خویش بتکرار نام می برند و ممکن است بدست آوردن اینگونه وسایل مشهور حربی آنروز گار بر تفاخر جنگجویان می افزوده و برای کسب نام و شهرت در بدست آوردن آن سعی می ورزیدند مانند دروازه صندلی، تخت طاوس و امثالهم و بهمین وجه حماسه سرایان و انشاء پردازان در نگارش خویش بکلمات توپ قلعه کوب و توپ دشمن کوب و انواب صاعقه بارواژدهای دژ افکن ازدود و غرش توپ و انهدام حصار بسیار تذکر میدادند.

اما اینکه توپهای تاریخی چگونه از بین رفته اند علت آن در مقالات آینده تصریح خواهد شد و می پردازیم بدهویت و آثار منشی باشی میرزا عبدالهادی لاری موسوی



## هویت و آثار منشی باشی

## میر عبد الهادی موسوی

میر عبد الهادی موسوی متخلص به عشرت مشهور به آقا هادی در فن تعمیه لیاقتی داشته شیخ محمد علی حزین در آغاز کلیات خویش ضمن معاصرین خود از او تذکر میدهد. موطن اصلی او قصبه لار و از سادات موسوی صفوی بوده است و سلسله نسبش بحضرت موسی کاظم امام هفتم میرسد و از ولایت سبزوار اصفهان از بدو سلطنت درانی مانند میرزا محمد هاشم و میرزا عبدالغفار (۱) و میرزا شکر نظام الملک و میر علی عرب خزیمه و میرزا علی رضا موسوی (۲) و میرزا عبداللّه مفتون و میرزا اللّه وردی شاملو و عبد الله کوه زوری و میرزا محمد کاظم بر نابادی بخدمت دفتری (دیوان اعلی) اعلی حضرت احمد شاه بابا از دیار مشهد و هرات پیوسته اند. والحق از لایق ترین و صادق ترین نویسندگان که از ولایات مذکور در افغانستان خدمت کرده اند یک تن همین شخص بوده است چنانچه ثبت فرامین و منشآت و وقف نامه هائی که از عهد احمد شاه بابا و تیمور شاه با انشای او بنظر من رسیده در عبارت آرائی از نویسندگان بزرگ عصر خود بوده و در یکی از مکاتیبی که در عهد هما یون اعلی حضرت احمد شاه کبیر بنامش صدور یافته بصفت جواهر فروش بازار معانی خوانده شده. میرزا عبد الله سرور و محمد هادی منشی حضور شهزاده هما یون و میر محمد علی (کفایت خان) و میر عبد الاحد و میر محمد ابراهیم مشرف و میر ابوطالب مشرف پسران او یند.

خاندان منشی ها دیخان در شور بازار کابل سکونت داشتند و قبور ایشان متصل مسجد گذر قاضی نزدیک میدان محکمه قدیم واقع است و اینکه در سطر (۲۰)

(۱) میرزا عبد اللطیف منشی بن میرزا عبد العزیز بن میرزا خان بن میرزا جان بن میرزا عبد الله بن میرزا عبدالغفار عضو دیوان اعلی بوده است. منشی مذکور تا چهل و پنج سال قبل بدربار کابل بخدمت انشای حضور بر می برد.

(۲) توضیح بیشتر را جمع به میرزا علی رضا مستوفی در کتاب تیمور شاه درانی و

صفحه (۳) مجله آریانا میرزا هادیخان بن میرزا عبدالله سرور معرفی شده نظر بقول خودش حقیقت ندارد زیرا عشرت پدر سرور است و در تاریخ از حال فرزند خود میگوید :

رفت از دار فنا سوی جنان	زاده عشرت غمدیده سرور
از خرد سال وفاتش جستم	تا کند ذکر بود آنچه ضرور
گفت با من به نصیحت که بگیر	عبرت از عشرت خالی ز سرور

۱۱۶۷ ق

از بیت اول فهمیده شد که سرور زاده عشرت غمدیده است.

### آثار منشی باشی

آثار نظم و نثر او از منابع مختلف بدست می آید: قسمت اول منشآت او و صورت وقف نامه ها و فتح نامه ها و فرمان های عهد احمد شاه و تیمور شاه است که تا حال فی صد شصت به خط و املا ی او و پسرانش دیده شده و مهر های او بعبارات مختلف اما غیر مسجع مثلا (من هادی لاری موسوی) (یا هادی) (هادی لاری موسوی) (عبده میر عبد الهادی) نقر شده و از منشآت او در کتاب نگارستان سلطانی نیز استنساخ کرده اند و هم سیف الدین حسینی در کتاب انشا خود که در سال ۱۲۷۹ ق در کابل نبشته شده و به خط خودش نزد من موجود است از منشآت او نقل برداشته .

قسمت دوم اوراق خطی موسوم به منشآت نفیسه است که از طرف جدم سردار محمد علم خان و کیل الدوله یادداشت شده و در آن نمونه های انشاء هادی لاری موسوی و پسرش کفایت خان و میرزا عسکر بن علی داد و میرزا محمد شریف و غیره دیده میشود .

قسمت سوم : بیاض قلمی کتابخانه جناب گویا ی اعتمادی است که در سال ۱۳۳۳ ش با اختیار من گذاشته شد در بیاض موصوف قطعاتی از قبیل ولادت تیمور شاه - جلوس تیمور شاه - فوت احمد شاه - تاریخ فتح دهلی - عروسی شهزاده سلیمان - بنای قلعه لاش - حصار کابل - تعمیر دیوانخانه پشاور - باغ آقا حیدر در هرات - تاریخ فوت خواجه

جاوید خان - تاریخ فوت میان محمد عمر پشاورى - تاریخ کور شدن اکبر خان سدوزائى - واقعه عبدالخالق خان - واقعه فیض الله خان خلیل - ولادت شهزاده ابو القاسم تاریخ مناکحت تیمور شاه با خدیجه سلطان - قلعه با لاحتصار کابل - دیوارهای بالای کوه توسط سردار جان خان شامل نظم و نشر درج شده و بعضی پارچه‌های ادبی میرزا علی اکبر بمرودى که بجواب همدگر نبشته اند دیده میشود و نیز متن فرمان اعلیحضرت تیمور شاه بعنوان ملا علی خان حکیم و هم فرمان فادر افشار بعنوانی علماً قندهار، هرات و بخارا در آن ثبت است. ولی آنچه در کتاب نگارستان سلطانی موجود است این بیاض فاقد آن میباشد و آنچه در بیاض قلمی وجود دارد در کتاب نگارستان دیده نمیشود.

بیاض قلمی گویا اعتمادی در سال ۱۳۳۳ ش پس از نشر کتاب تیمور شاه با اختیار من گذاشته شد (۱) متعاقب آن نگارستان سلطانی تالیف میرزاهاشم که جزء آثار قلمی دودمان و کیل الدوله است از طرف پنی عم پدرم از ارغستان برایم رسید.

بر سبیل مثال این قطعات نظم و نشر او را که در تاریخ ولادت پسر و نواده اعلیحضرت تیمور شاه و بعضی بناهای کابل انشاء و انشاء کرده و در جنگ قلمی وجود ندارد نقل می‌کنم:

«از اصغای اخبار فرحت آثار ولادت باسعادت خلف مسعود و تولید سعید نبیره»

«میمنت آمد و دو چند خرسندی حاصل گردید و دو بالاخر می بحصول انجامید.»

«دو نسیم مرام بر گلشن آرزو و زید، دو شمیم کام بدماغ تمنا رسید.»

«دو چشم امید ضیا پذیرفت، دو بازوی مراد قوت گرفت، دو انجمن»

«مسرت آراسته و دو بزم بهجت پیراسته گشت؛ دو رایت دولت سر برافراخته»

«دو کوس سعادت نواخته شد»

(۱) بیاض مذکور چون نام نداشت در فهرست ماخذ کتاب درة الزمان آنرا گلدسته عشرت نام نهادم.

«ریاض عیش را دیگر بهار دلکش آمد

بفرق عشرت از نو سایه بالهما آمد»

«ز تولید مبارک اخترى صد گونه عشرت شد

بباغ خاطر افسردگان آب بقا آمد»

«طلوع اختر مسعود دیگر بخت روشن کرد

دعای مستجاب از آسمان حاجت روا آمد»

«کنون از باغ بهر وزی گل شادی بدامن کن

نهال خوشدلی را موسم نشو و نما آمد»

«از آنجا که فرزندان اقبال مند و اولاد سعادت پیوندضیای چشم امید و فروغ دیده»

«مراد جاوید و زیب باغ درانی و زینت چراغ کامرانی شمع شبستان امانی و آمال»

«شجره بستان افغانی مقصود حال و آمال سلطانی و حیات مستعاره را معاوضه زندگانی»

«است ایزد حیات بخش آن هر دو نهال جو بیار دولت رادر ریاض اقبال مثمر مرادات»

«گرداناد و از عمر طبیعی کامیاب و کامران کناد آمین»

### قلعه درانی

و هم چند سطر از فصل تاریخ قلعه درانی (کنار راه بین کابل و غزنه) که شامل

قطعه نثر و نظم است و در جنگ خطی وجود ندارد بطور نمونه از جمله ده بیت

شش آن را اقتباس می‌نمایم:

بمهد احمد خاقان جمجاه

شده تعمیر این قلعه چه مرغوب

معسکر خانه سلطان ذیجاء

میان کابل و غزنه فتاده

رباط در هر وان گاه و بیگاه

حصار افسران پادشاه هیست

بسیر این بنا شام و سحر گاه

چو آئینه بحیرت خلق عالم

زبان‌ها دی عشرت بنا گاه

چو از پیر خرد تاریخ پر سید

(حصار عبدالله خان عالیجاء)

هزار و یکصد و هشتاد و دو گفت

خزینة الاشراف

و نیز از خزینة الاشراف (خزانه اشرفی ها و جای پربهاترین مسکو کان و جواهر و اشیای نایاب) چند سطر محض بحیث نمونه کلام میرزا عشرت که در جنگ خطی وجود ندارد و در کتاب نگارستان محفوظ است با حذف قطعه نثر و چند بیت دیگر نقل می شود :

برای شوکت شاهنشاهی که هست بد هر

یگانه نتوان یافت همچو او به جهان

متین عزم و موافق بنام شد تیمور

جهان مطاع درانی و اشرف دوران

هم او ست بر فلک عز خسری خورشید

هم او پیام سعادت چو بدر نور افشان

بدار سلطنت کا بل افتاد بنا

بآب و رنگ چو خالیکه بر لب جانان

بسال ختم بنایش ز پیر عقل رسید

بیاد عشرت ما گفت دولت خاقان

رسال جامع علم ۱۹۲۵ ق

تسبیح خانه

تسبیح خانه شاهی کابل جا یگاهی که شب های جمعه و عیدین و سایر ایام مذهبی علماء، صلحاء و اتقیاب به تلاوت و تفسیر قرآن پاک و احادیث نبوی صلعم و خطب و مناجات و مناقب میگذرانیدند و عمارت آن در سال ۱۱۹۴ ق. مجدداً در عهد تیمور شاه درانی بنا یافت و منشی میرزا هادی خان به نثر و نظم تاریخی برای آن گفت و چند بیت آن اقتباس میگردد :

خانه تسبیح شاهی شد بنا در حریم خاص دولت جایگاه

مرجع اهل علوم اصل و فرع محضر اصحاب تقوی دستگاه

فیض خیزد از زمینش تا بفرش

نور ایزد ز آسمان هر صبحگاه

در زمان خسرو عرفان مدار

اعدل گیتی ستان تیمور شاه

سال تاریخ بنای او به ناز

عشر تا از خانه تسبیح خواه

۵۸

۱۱۹۴ ق

قطعات نظم و نثر میر محمد علی کفایت خان و میر محمد ابراهیم مشرف  
و میر ابوطالب مشرف پسران او نیز موجود است که توأم بطبع کتاب جهانکشی  
درانی به نشر خواهد رسید.

### جیحون خوارزم

پیش ازین گفته آمده است کی در لغت عرب جیحون نام این آب است خاص اما عوام  
بیشتر افهار بزرگ را جیحون خوانند. منبع این جیحون از بلاد رخان باشد در کوهپاء  
تبت و بر حدود بدخشان بگذرد پس بحدود ختلان و و خوش پنج آب دیگر بزرگ  
بدو پیوندد و آن موضع را پنج آب خوانند و از سوی قبادیان همچنین آبها بدو پیوندد  
و بحدود بلخ بگذرد و به ترمذ آید آنگاه بکالف آن گاه بزم آنگاه به آمو تا بخوارزم رسد  
آنگاه ببخیره چند و خوارزم را یزد و طبرستان آید این جیحون از بدخشان تا ترمذ  
سیزده منزل باشد و از ترمذ تا پنج منزل رازم تا آمو چهار منزل و از آمو  
تا خوارزم دوازده منزل و از خوارزم تا بحیره چند شش منزل و از جیحون جویی  
بزرگ بجانب شهر کات رود کی آن جوی را کاو خواره خوانند و پیش ازین  
کی این جوی بر خیزد به یک منزل موضعی خطرناک باشد کشتی را به سبب آنک  
جیحون بمیان دو کوه بیرون شود و این موضع تنگست و آب بقوت میروذ و از بالای  
بزی بر می آید چون کسی آنجا رسد اگر احتیاط نکنند ممکن بود کی غرقه شود  
یا بشکند و این جیحون ظاهر او بفسرد و یخ بندد و ابتداء یخ بستن و فسریدن از جانب  
جند باشد و به تدریج به بالا بر می آید تا آنجا که رسد\*